



آیا تفسیر ثابت متون مقدس ممکن است؟

روح انسان گرچه مجرّد است، لیکن تجرّد تام عقلی ندارد تا در مبادی ادراک نیازی به احساس و مانند آن نداشته باشد...

روح انسان گرچه مجرّد است، لیکن تجرّد تام عقلی ندارد تا در مبادی ادراک نیازی به احساس و مانند آن نداشته باشد و چون احساس بدون ارتباط با ماده خارجی مقدور نیست و هر گونه پیوندی با ماده خارج مرهون زمان و در گرو مکان و نظیر آن است و از سویی دیگر شیء ادراک شده نیز در زمان و مکان و وضع و محاذات معین قرار می‌گیرد، چنین پنداشته می‌شود که همه ادراکهای روح تاریخمند و متمکن و مانند آن است در حالی که اگر از مرحله احساس و تخیل بگذریم (گرچه هر ادراکی حتی احساس و تخیل مجرد است) و به ادراک اصیل روح راه یابیم متوجه خواهیم شد که:

1- روح دارای تجرّد از قید زمان و مکان و مانند آن است.

2 - ادراک امری مجرّد است.

3 - کلی اگر ادراک شود، از هر قیدی منزّه است؛ زیرا کلی غیر از اشتراك لفظی است، بلکه معنایی است مشترك بین افراد فراوان که بر همه آنها صادق و از قید هر يك از آنها مبرا است.

4 - شهود حضوری روح مجرّد و نیز ادراک کلی مجرّد بدون تاریخمند بودن إدراک یا مُدرك ممکن است، گرچه ادراک موجود مجرّد ممکن است در زمان خاص یا مکان مخصوصی واقع شود؛ لیکن هیچ يك از این امور خارج از قلمرو ادراک روح و بیرون از منطقه ادراک کلی و مانند آن سهمی در عصری کردن ادراک یا مصری کردن مُدرك ندارد.

5 - در تفسیر متن مقدّس لازم است مفاهیم الفاظ مستعمل در آن متن را برابر با فرهنگ رایج و دارج عصر نزول در نظر گرفت؛ گرچه مصادیق آنها در طی اعصار و قرون یا در امصار و اماکن یا اقوام و ملل، متنوّع و متعدّد باشد.

بنابراین، ممکن است مفسّر با داشتن پیش فهمها و پیش فرضها (اصول موضوعه) تفسیر ثابت و جاویدی از متن مقدّس ارائه دهد که به هیچ وجه معنای استنباط شده، اختصاصی به مرز و بوم معین یا تاریخ مشخص نداشته باشد؛ گرچه تفسیر او در ظرف محدود تاریخ واقع می‌شود؛ همچنین مفسّر مفروض، مطلبی ثابت، مجرد، کلی و دائمی را از قرآن استنباط می‌کند، نه مطلبی نسبی را؛ گرچه ممکن است معرفت شناس بگوید: اگر چه مفسّر مفروض پیام مطلق، کلی و عام را از آیه استفاده می‌کند، لیکن این اطلاق و عموم و کلی فهمیدن مربوط به خصوص مفسّر مزبور است و برای خصوص او معتبر است، نه برای مفسّران دیگر.

مأخذ: تسنیم، ج 1، ص 215.